

مکرفی

قهرمان در تاریخ

نوشته سیدنی هوک

ترجمه ۱. آزاده

بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۳۹ ص.

قیمت ۲۴۰ ریال

تعیین ارزش مکانی شخصیت‌های بزرگ در رویدادهای تاریخی، از ادوار کهن تا کنون فیلسوفان تاریخ و مورخان را به خود مشغول داشته است. «قهرمان در تاریخ» سیدنی هوک در این میان یکی از خواندنی‌ترین و بحث‌انگیزترین کوششها است.

برای روشن کردن مسأله؛ گرچه او نیز، مانند همه آن اندیشمندانی که در این رهگذر گام نهاده‌اند - از جمله انگلس، پلخائف، تروتسکی، دویچر، پوپر، کار - پاسخی قطعی به پرسشهایی نمی‌دهد که همواره مطرح بوده است.

ناراستا بودن پرستشها نه از این روست که فیلسوفان تاریخ مسأله را چنان که باید نکاویده‌اند، بلکه بدین

بود بی‌شک کاری دشوار و جانکاه بوده است که کثرت نام‌ها، غرابت ضبط و تلفظ آنها، پیچیدگی حوادث مورد بحث، و دوری آنها از آنچه معمول عصر ما است، یادداشتهای و زیرنویسهای طولانی و همراه با نام‌های مهجور، انشاء دقیق و سنگین مؤلف و عبارات دراز تو در توی آلمانی این دشواری کار مترجم را تا حدی تبیین می‌کند مع هذا وقتی مترجم دوست و همکار مؤلف کتاب است و در فهم مقصود وی نیز اگر با اشکالی مواجه شود می‌تواند با او در میان بگذارد جایی برای تأمل در صحت و دقت ترجمه نمی‌ماند و اگر مواردی هم هست که شاید خواننده با مترجم همدانستان نباشد هم ممکن هست اختلاف ناشی از تفاوت سلیقه باشد و هم مربوط باشد به این نکته که مبنای کار مترجم با نسخه چاپی متداول آلمانی شاید بعضی تفاوتها داشته باشد. با این همه در کاری چنین دقیق و سنگین که آقای دکتر فلاطوری با حداکثر شوق و همت تعهد کرده است اگر در نقل بعضی نام‌ها اشتباهاتی روی داده باشد و از جمله قضایی به جای قضایی (نظری به منابع / ۱۷)، ابن‌وضیع به جای ابن‌واضح (ایضاً / ۲۹)، محمود بن ابراهیم به جای محمد بن ابراهیم (ایضاً / ۳۲)، این رستم به جای ابن رسته (ایضاً / ۴۰)، اجندین به جای اجنادین (۷ / ۷)، فجاجه به جای فجاجه (ایضاً

/ ۳۲)، کاش به جای کش (۷۸)، رفیع ابن لیث به جای رافع بن لیث (/ ۹۱ و ۹۲)، بغه کبیر به جای بغای کبیر (/ ۱۶۰)، شاه اسمعیل سامانی به جای (امیر) اسمعیل سامانی (/ ۲۵۹)، صهب السبال به جای صهب السبال (/ ۴۱۳)، صحب جمع اصحب به جای صهب جمع اصهب (/ ۴۱۴ - ۴۱۳)، الرادوجانی به جای الرادویانی (/ ۴۲۷ ح)، گرگان به جای گوران (/ ۴۳۶) آمده باشد بروی که خود بیشتر اهل فلسفه است و کمتر با تاریخ سروکار دارد چندان جای ملامت نیست. شاید ناشر که این سلسله کتابهای ایرانیشناسی «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» را «زیر نظر» دارد اگر توجه بیشتری می‌ورزید به آسانی می‌توانست کتاب را از این گونه مسامحات دور نگهدارد. در هر حال، اکنون باید چشم به راه دنباله کار آقای فلاطوری بود که بیشک اینگونه لغزش‌های جزئی را تدارک خواهد کرد و باید از ایشان بخاطر دقت و همت ارزنده‌ای که در نقل این کتاب گرانمایه به زبان فارسی می‌ذول داشته‌اند سپاس داشت.

اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۲

عبدالحسین زرین کوب

دلیل است که خصلت رویدادهای تاریخی گهگاه قانون را نمی پذیرد. مثلاً هنگامی که مارکسیسم جزمی می گوید که موقعیتهای تاریخی خواه ناخواه قهرمانان خود را می آفریند، می توان موقعیتهایی را در تاریخ مثال آورد که قهرمانان خود را نیافتند. همچنین به عکس: هنگامی که قهرمانگریان، تاریخ را ساخته و پرداخته شخصیت های بزرگ می پندارند، می توان شخصیت هایی بزرگ را در زمان و مکان نامناسب تاریخی سراغ کرد که بخت انجام دادن کارهای بزرگ به آنها روی نیاورد. سیدنی هوک در این کتاب می گوید از نظریه های گوناگونی که برای توضیح نقش «قهرمان در تاریخ» پرداخته شده است، همنهادی بسازد. به این حساب می توان او را در مکانی میان متفکرانی جای داد که حرکت تاریخی را تابع قوانینی شناخته شده و معین می دانند، و کسانی که برای رویدادهای تاریخی هیچ قانونی قائل نیستند درست در همین گرفتن میانه است که پای سیدنی هوک می لغزد. چرا که تلفیق میان استنباط هگلی، که تاریخ را مانند همه جلوه ها «دیگر زندگی اجتماعی انسان چون یک کل می نگرد» و برداشتهای جز آن، به دشواری میسر است؛ توفیق به آسانی دست نمی دهد، حتی اگر آدم سیدنی هوک هم باشد.

هوک می نویسد: «می دانیم که

تاخت و تاز آتیلا ستوط امپراتوری روم را تسریع کرد، ولی مانند بعضی از قربانیان دیندار اونی می توانیم مطمئن باشیم که او «تازیانه خدا» بود، و یا مانند بعضی از دانشمندان جدید کاملاً قانع شویم که او معلول نهایی علت هایی بود که نخستین حلقه آن با تغییرات جوی چین ساخته شد.»

متعود هوک از «دانشمندان جدید» جز مارکسیست ها نیستند که هوک سخنانشان را ساده می کند تا ضربه را هر چه کاری تر و مؤثرتر بدان بزند. به همین دلیل او این سخنان نوآوران مکتب نامبرده را ناپدیده می گیرد: تاریخ جاده لکطرفه نیست که منزلگاههایش را بتوان از پیش تعیین کرد. بلکه در هر دوره تاریخی موقعیتهای و امکانات گوناگونی وجود دارند که، به علی که از پیش نمی توان تعیین کرد، یکی از آنها از قوه به فعل می آید. همین سبب می گردد که امکانات دیگر یا از قوه به فعل نیفتند و یا با تأخیری کوتاه یا طولانی از قوه به فعل آید. در واقع خود هوک بیشتر با همین روایت تازه همدانستانی نشان می دهد.

او بخشی از کتاب خود، (فصل «قهرمان فکر» را) به دانشمندان و نقش آنها در کشفیات و اختراعات علمی اختصاص داده است، لیکن در تحلیل نهایی عنایتش را متوجه

سیاستمداران و دولتمردان کرده است و نقش ایشان را در تاریخ بررسیده است. کتاب خواندنی است، به تفکر و اومی دارد، بحث برمی انگیزد، اما کلام اول و آخر را نگفته است، خود نویسنده هم چنین ادعایی ندارد.

خدا حافظ گاری کوپر

نوشته رومن گاری

ترجمه سروش حبیبی

امیر کبیر، رقی، ۶۲۸، ص، ۱۳۰ ریل

رومن گاری را نخستین بار ابوالحسن نجفی با ترجمه درخشان از داستان «پرنده گان می روند در پرو بهمیرند» به خوانندگان ایرانی شناساند. از این داستان فیلمی تهیه شده است که آنرا ندیده ایم؛ اما چندی پیش فیلمی به کارگردانی ژول داسن در تهران نشان دادند که بر مبنای داستان زندگینامه گونه ای از رومن گاری ساخته شده بود و «معباد در سینه دم» نام داشت. مطابق با آن فیلم و به استناد حرف حبیبی در مقدمه این کتاب، رومن گاری در روسیه پیش از انقلاب متولد شده، سالهای کودکی را در روسیه و اروپای شرقی گذرانده و سپس به همراه مادرش به فرانسه مهاجرت کرده است. در جنگ جهانی دوم با

سمت خلبان نیروی هوایی فرانسه دلاوریها کرده و در جنبش مقاومت ملی لقب «همرزم رهایی ملی» گرفته است. به استاد مقدمه حبیبی کتابهای او عبارتند از: «تربیت اروپائی»، «لاله»، «رختکن بزرگ»، «رنگهای روز»، «ریشه های آسمان»، «لیدی ال»، «سگ سپید» و کتاب حاضر. تا آنجا که می دانیم از کتابهای «ریشه های آسمان»، «لیدی ال» و «پرندگان می روند در پرو به میرند» فیلمهایی تهیه شده است.

در رمان «خداحافظ گاری کوپر» با جوانانی آشنای شویم که دلزده از همه چیز به ارتفاع دو هزار متری پناه برده اند و حتی از شنیدن اسم اعتراض و انقلاب هم حالشان به هم می خورد. همه به دور میز گرد جوانی امرد باز و متمول به اسم بوگ سوران نشسته اند. یکی از دلاوران این «تورتیلا فلات» برقی، «لنی» نام دارد که برای فرار از جنگ ویتنام به سویس پناه آورده است. لنی درشت و خوشرو و ساده دل است، سردی و سفیدی و صفای برفها واسکی کردن روی آنرا دوست دارد؛ اما دوست ندارد جایی گیر بیفتد؛ تابستان و کسادی کار «لنی» را به ژنو می کشاند و او را با دختری که خود نماینده گروهی دیگر از

جوانان است آشنای کند، جوانانی که هنوز امیدوارند راهی به جایی برند و صدایشان را به گوشی رسانند. این برخورد سرآغاز وقایعی است که تند و سیمتایی در پی یکدیگر می آیند و داستان را تا پایان می برند.

«خداحافظ گاری کوپر» چنان گیرا است که خواننده را به سرعت از هفت خوان سی و چهل صفحه اول کتاب می گذراند و بیش از آنکه خواننده به خود آید به نیمه کتاب رسیده است و آنوقت چون دیروقت است، یا خستگی غالب شده، کتاب را به زمین می گذارد و شاید دو سه روزی هم در خواندن کتاب وقفه بیفتد و در مورد برخی حرف و سخنانی کتاب شک و تردیدهایی پیدا شود. اما این وقفه چندان طول نمی کشد و خواننده باز به سراغ کتاب می رود و در یک یا دو نشست آن را به پایان می برد، هرچند شاید آن مزه ای را که نیمه اول کتاب زیر دندانش باقی گذاشته بازنیا بد و از «پایان خوش» رمان خوش نیاید اما باز از نویسنده چندان دلخور نیست و ته دل دوستش دارد و از سروش حبیبی متشکر است بدین خاطر که اولاً این کتاب را ترجمه کرده و ثانیاً آن را خوب ترجمه کرده است.

بحران دلار
نوشته ژان دونیزه، رابرت ترینین،
فرانسوا پرو
ترجمه امیرحسین جهانگللو
انتشارات خوارزمی، ۱۶۱ ص، ۹۵
ریال.

جنگ دوم جهانی مرکز قدرت نظامی و سیاسی و اقتصادی را، اگر نه به طور قطع، دست کم برای زمانی دراز از اروپا به آمریکا برد؛ این واقعیت ترجمان خود را از جمله در قدرت دلار یافت. تنها اقتصاد آمریکا نبود که پشتوانه دلار بود، قدرت نظامی و سیاسی آن سرزمین نیز در این رهگذر سهمی در خسور اعتنا داشت.

اگر در نظر گیریم که در جنگ دوم جهانی، دموکراسی های پارلمانی و اتحاد شوروی از یک سو و فاشیسم از سوی دیگر، در یکی از سهمگین ترین جنگ های تاریخ نیروهای یکدیگر را تا سرحد از پا افتادگی سائیدند، آنگاه در خور فهم است که آمریکا مقام مسلط خود را در جهان پس از جنگ دوم جهانی بالنسبه آسان به دست آورد.

لیکن این قدرت به همان نسبت که آسان به چنگ آمد، به همان نسبت نیز بی بندوبار و آسان خرج شد. دلارهای آمریکا به چه مصرفی که نرسید!

بدین ترتیب یک روز باید دوران فرمانروایی این پول که بازرگانی جهانی در سایه آن انجام می گرفت، به سر آید. این روز، به طور رسمی، ۱۵ ماه اوت ۱۹۷۱ بود که نیکسون اعلام داشت که نظام پولی جهان باید تغییر یابد، و دلار دیگر نقش پول ذخیره و واسطه مبادلات را بازی نمی کند. در واقع بحران دلار خیلی زودتر از آن تاریخ آغاز شده بود.

در این کتاب سه صاحب نظر بین المللی بحران دلار را از جهات گوناگون بر می رسند.

مقالات این کتاب، سوای مقاله فرانسوا پرو درباره «تورمهای وارداتی» که بسیار فنی و فهمیدن آن مستلزم داشتن زمینه قبلی است، به گونه ای است که هم اهل فن را به کار می آید و هم متفمن را.

فانون

نوشته دیوید کات

ترجمه رضا براهنی

انتشارات خوارزمی، ۱۶۳ص، ۱۳۵ ریال.

از میان انسانهای نادری که هم درباره انقلاب نظریه پرداختند و هم خود در عمل انقلابی شرکت فعال داشتند، فانون یکی از چهره های ممتاز است. این کتاب که در سلسله «پیشروان اندیشه های نو» جای گرفته، به شیوه ای بایسته و خالی از پیشداوری به اندیشه

فانون متشاه آن، دگرگونیهای آن می پردازد و خط سیر فکری و سیاسی این سیاستمدار، نظریه پرداز و روانپزشک را، که عمری چون عمر یک شهاب ثاقب کوتاه داشت، ترسیم می کند. این سرنوشت نصیب کمتر کسی شده است: به عنوان سیاهپوست در جزایر آنتیل زاده شدن، از آشخور فرهنگ فرانسه و تمامی فرهنگ غرب نوشیدن، در انقلاب الجزایر شرکت کردن و طلاهای پیروزی آنرا دیدن - آنها فقط در یک مقطع کوتاه از یک عمر سی و شش ساله.

فانون از جمله کسانی است که از دیو خشونت منزجر است، لیکن برای غلبه بر این دیو، توصیه می کند که «خشونت انقلابی» به کار بسته شود - با وجود آنکه می داند اعمال خشونت سبب می شود که دژخیم و قربانی هر کدام به گونه ای از ارزشهای انسانی تهی شوند. و به همین نکته است که دیوید کات، نویسنده «کتاب» برای انتقاد بجا از نظریه خشونت فانون استفاد می کند: «هیچ انسانی، هیچ دهقانی، فقط عضو اجتماع یا طبعه و یا نژاد خاصی نیست. موقعی که دشمن خود یا ظالمی را می کشد، انسانی دیگر را نیز می کشد. هر نوع قتل اصولاً عملی است در راه غیر انسانی کردن جهان... شگفت این که برای پیدا کردن شاهد مثال

در این مورد، باید به خود فانون مراجعه کنیم.»

ایالات نامتحد

نوشته ولادیمیر پوزنر

ترجمه محمد قاضی

انتشارات خوارزمی، ۲۸۷ص، ۱۵۰ ریال.

این کتاب اگر در همان سال، یا کمی پس از سال انتشار به زبان اصلی، به فارسی ترجمه می شد کتابی بسیار خواندنی می بود. یا آن که ناشر صلاح ندیده است تاریخ انتشار متن اصلی را بیاورد، لیکن برای آن که بفهمیم کتاب در اواخر دهه چهل یا اوائل دهه پنجاه نوشته شده است، نیازی نداریم که در تاریخ ایالات متحد امریکا کارشناس باشیم.

مراکز ثقل این کتاب، فقر در حاشیه ثروت، تبهکاری و تبعیض نژادی در آمریکا است. بر اینها باید آن نظارت همه جانبه ای را افزود که شهروندان این غنی ترین و قدرتمندترین کشور جهان، در معرض آن قرار گرفته اند. یکی از نقطه های اوج این نوع نظارتهای نامشروع را می توان در «رسوایی واترگیت» دید. لیکن این سکه را روی دیگری هم هست، و آن این که آمریکا رخته های چرک خود را نه در زیر زمینها بلکه در انظار عام می شوید. آزادی ای که به علت وجود نهادهای گوناگون



سیاسی و اجتماعی مستقل در این سرزمین به وجود آمده است ، ستودنی است . بدین ترتیب گرچه می توان آمریکا را سرزنش کرد که به رغم امکانات بالقوه برای فراهم آوردن وسائل بهزیستی انسان، نیروهایش را به خدمت هدفهای عقلستیز گمارده است ، لیکن در وصف این آزادی تقریباً نامحدودی که در آنجا به چشم می خورد ، سخنی جز به تحسین نمی توان گفت .

این که مطبوعات تمامی نیرویشان را برای پرده داری از یک رسوایی به کار می برند ، ننگها را گرچه برملا می کند ، اما در عین حال اسباب سربلندی نیز هست . مطبوعات را از این بابت نه فقط سرزنش نمی کنند ، بلکه جایزه نیز بدانان می دهند (« واشینگتن پست » به علت کمک در کشف « رسوایی واترگیت » جایزه پولیتزر را گرفت) .

باری ، کتاب دربر تو این واقعیات نه فقط یکجانبه داوری کرده و فقط روی تیره جامعه آمریکا را دیده ، بلکه چون کهنه است ، ناگیر به بسیاری چیزها نپرداخته است که جامعه امروز آمریکا بدون آنها اندیشیدنی نیست . مثلاً امروز مگر می توان از آمریکا سخن گفت و از جنگ هندوچین و پیشامدهای آن به سکوت گذشت ؟